



میر عبدالواحد سادات 1

حقوق شرعی یعنی چه ؟

رہبر و مسولان حکومت دیفکتوی طالبان ، درین قریب به پنجشال ہمیشہ میگویند کہ :

“ بحقوق شرعی زنان و دختران تعهد دارند ”

اماج این یاداشت فشرده ، افاده حقوق شرعی از طرف زعامت طالبان است کہ پیوسته انرا تکرار و از انپیراھن حضرت عثمان ساخته اند .

طالبان با شعار برقراری « شریعت اسلامی » طوری برخورد می نمایند کہ ، گویا کدام کشور به زعمخودشان « کفری » را « فتح » نموده اند و یا شاید از تاریخ حدود چهارده صد سال اسلامی کشور شانبی اطلاع می باشند .

« حقوق شرعی » یا بقول وطنی ما ، « سوتہ حافظ: »

پر واضح است کہ ہر دین و منجملہ دین مقدس اسلام يك ظرفیت وسیع است و درین چہارده قرن و از ہمان صدر اسلام تا کنون کم نبوده اند ، گروہ های کہ اغراض سیاسی شانرا پوشش « دینی » دادہ اند واز دین بحیث ابزار پروژہ های سیاسی و حتی استخباراتی استفادہ نمودہ و مینمایند .

طرح طالبان مبنی بر تطبیق شریعت و یا بہ صورت مشخص در ہمین بحث ، ذکر افادہ « حقوق شرعی » ، این سوال را مطرح مینماید کہ :

## کدام شریعت؟

افزون بر مذاهب رسمی، ما با صد ها برداشت فقهی مواجه می باشیم. در نیم قرن اخیر مردم برداشتهای متفاوت از دین و شریعت را در افغانستان آزمایش نموده اند، که همه مدعی اسلامی و پسوند « اسلامی » را بکار میبرند.

همین اکنون در میان طالبان لاقبل دو برداشت متفاوت از دین و شریعت وجود دارد که هر دو طالب و علی الظاهر مربوط يك امارت و امیر المؤمنین می باشند. وجه مشترك هر دو گروه حقانی با سابقه تنظیمی - جهادی و طالبان خط ملا محمد عمر، برداشت قشری از جوهر دین و سواد کم اسلامی است، و هر دو دین بزرگ و مبین اسلام را به ریش و حجاب خلاصه ساخته و قویاً زن ستیز و نگاه مرد سالارانیه زن دارند.

بدین ترتیب افاده های « شرعی » و « فقه » به تعداد گروه ها و حتی تعداد ملا های مقتدر، فراوان وجود دارد. همان شوخی مرسوم در میان همسلکان ما در وزارت عدلیه که از « جنگل قوانین » بخاطر کثرت قوانین یاد مینمودند، در احوال جاری بحساب « جنگل برداشت از فقه » مصداق دارد و هر کدام خود را محق و ذیحق و ناف زمین می پندارند و ألقاب خلیفه و امیر المؤمنین و ... دارا می باشند.

با شکل گیری دولت های ملی - مدرن در جهان بخاطر مقابله با این کثرت منابع و مصادر برای تعریف حق و تعیین تکلیف، موضوع قانون ملی و سیادت و حاکمیت قانون در ساحه قلمرو يك دولت ملی مطرح گردید. در افغانستان نیز همزمان با تلاش برای شکل گیری موسسات دولتی، توجه به نیاز قانون و مقررات دولتی مطرح گردید. با انفاذ نخستین قانون اساسی و ایجاد اولین دولت ملی در زمان شاه اماناله بخاطر گذار افغانستان بشاهراه ترقی و تجدد نهضت بزرگ تقنینی در کشور براه افتید و تا هفتاد قانون و مقررره برای تنظیم حیات اجتماعی و سیاسی نافذ گردید.

روشن ساختن این موضوع را ضرور میدانم که:

هیچگاه نه در انوقت و نه در صد سال اخیر که افغانستان شش قانون اساسی را تجربه نمود، سوال غیر اسلامی بودن قوانین مطرح نبوده است و چنانچه در قوانین اساسی قید گردیده است:

”در افغانستان قانون مناقض اصول دین مقدس اسلام نافذ شده نمیتواند“

بدینرو همه قوانین در صد سال اخیر در مغایرت با اصول دین و ایین مردم قرار نداشته است.

اما دشمنان تاریخی افغانستان که از همان شاه امان اله و تاکنون مانع گذار افغانستان بشاهراه ترقی میباشند، سوال را بحساب اسلام و قانون مطرح و قانون را مخالف دین وانمود ساخته اند، چنانچه ملا عبدالله معروف به ملای لنگ در مظاهره ولایت پکتیا که به اشاره انگلیس و مصوبه مدرسه دیوبند سازماندهی گردید، در يك دست قرآن کریم و در دست دیگر قانون اساسی را گرفته و از مردم سوال نمود که:

کدام يك را قبول دارید؟

بزرگترین تحول در عرصه تثبیت حقوق و آزادیهای مردم در افغانستان انفاذ قوانین مدنی است که سرانجام بعد از انفاذ قانون اساسی ( ۱۳۴۳ شمسی ) مفکوره تدوین کد مدنی بوجود آمد و بعد از سالها کاروی پروژه ان در جمهوریت اول و زمان محمد داود فقید افغانستان صاحب کد مدنی و یا قانون بزرگمدنی گردید که در ( ۲۴۱۶ ) ماده و بر اساس مذاهب فقهی چهارگانه دین اسلام ، مجموع حقوق ، مکلفیت و آزادیهای مدنی و سیاسی مردم را تعریف و مسجل ساخت . بافت نورمهای جهانی مندرج در میثاقهای بین المللی درین کد ستودنی است . از انفاذ کد مدنی در کشور میتوان بمثابه انقلاب بزرگ در عرصه تقنینی و تکامل قانون گذاری یاد نمود و با درک از همین اهمیت سترگ ان درین نیم قرن و در دولت ها و رژیم های متفاوت سیاسی افغانستان تداوم ان زیر سوال نرفته است .

ذکر این حقیقت بویژه به نسل جوان کشور حایز اهمیت است که :

در تدوین این قانون مدنی بزرگترین اسلام شناسان و علمای دینی افغانستان و جامعه الأزهر مصر اشتراک داشته اند و به یقین که رهبران طالبان حیثیت طالب مبتدی انان را دارند .

اکنون اگر طالبان واقعا تطبیق اسلام واقعی را میخواهند ، باید رسماً و علناً تصویب و اعلام نمایند که :

بحقوق دینی و شرعی مردم و منجمله زنان مطابق به احکام قانون مدنی افغانستان متعهد می باشیم .

در غیر ان برخورد ایدیولوژیک با حقوق زنان و بر اساس برداشت شخصی و گروهی از دین و شریعت کهبه سخریه گرفتن دین و آیین و تاریخ کشور می باشد ، مورد قبول جامعه اسلامی و مردم مظلوم و مسلمان افغانستان نمی باشد .

بسیار ضرور است تا تمام مدافعان صادق حقوق و آزادیهای مردم و منجمله زنان و مدافعان حقوق زندر داخل و خارج کشور ، استمرار قانون مدنی افغانستان را بحیث خواست مشترك شان مطرح نمایند .

با حرمت

میر عبدالواحد سادات